

## کاوه تیموری

مقدمه:

رشد و پویایی اندیشه و اعمال تربیتی والدین رابطه مستقیم با شکوفایی استعدادها و تحقق تربیت سالم و بهینه فرزندان دارد و جهان در حال تحول امروز در پاسخگویی به نیازهای زمان، راه را برای گسترش تعلیم و تربیت خانوادگی، بیش از پیش هموار نموده است. دستیابی به راههای ارتباط با خانواده، با توجه به شرایط و مقتضیات هر جامعه، ظرایف و دقائق خاص خود را طلب می‌کند. آموزش غیررسمی می‌کوشد که با درگیر کردن قشرها و

استمرار آموزش خانواده  
در قالب طرح  
"مدرسه اولیا"



مطبوعات است که به توسط سازمانهای مربوط تدارک دیده می‌شود، اما دلیل اساسی و پایه‌ای آن وجود انگیزه قوی پدران و مادران در ارتباط با این مسأله است. حال این سؤال مطرح می‌شود که این روحیه خود معلول چه عواملی است؟

پدران و مادران براساس تعلیم و تربیت و آداب و سنن خانوادگی، فرزندان خود را پرورش می‌دهند و آنها را برای نقش‌پذیری و قبول مسؤولیت اجتماعی در سطح جامعه آماده می‌کنند. با این حال همچنانکه اشاره شد، چرخ تغییرات نیز به سرعت در حال حرکت است و این تحولات سریع فاصله‌ای جدی بین افکار تربیتی والدین و انتظارات تازه فرزندان به دنبال داشته است. اولیاء این نیاز را با تمام وجود حس کرده‌اند و به این خاطر با اشتیاق در کلاسهای آموزش خانواده شرکت می‌جویند و از رهنمودها و شگردهای عملی و عینی خبرگان تعلیم و تربیت خانوادگی بهره می‌برند. حال برای آنکه یک مکان و یک نهاد تربیتی جامع به عنوان ظرفی برای محتویات آموزش خانواده وجود داشته باشد، مدرسه اولیاء به عنوان یک ضرورت مطرح می‌شود. با توجه به اینکه نقطه عزیمت برای شکل‌گیری چنین مکانی همان نیروی علاقه والدین است، در آن تأملی دوباره می‌کنیم و در نتیجه روحیات و علایق آنها را با امکانات و خدمات تربیتی و چگونگی خدمت‌دهی به بحث می‌گذاریم.

استفاده از نیروی علاقه و انگیزه در اولیاء سسی. ای. میس در کتاب "روانشناسی مطالعه" چنین می‌نویسد: «لازم نیست سیر جریانهای نیروی انسانی را تا سرچشمه‌های

طبقات مختلف جامعه، دریچه‌ای برای این ارتباط بازکنند. بر این اساس امروزه برنامه‌ریزان انجمن اولیاء و مربیان در اندیشه سامان بخشیدن به یک طرح تربیتی به نام "مدرسه اولیاء" هستند، که صد البته سامان‌دهی به این فکر، مستلزم زیرسازی لازم و ذکر ضرورت و اهمیت آن برای مسؤولان و اولیاء است.

### چرا مدرسه اولیاء؟

از برپایی گسترده کلاسهای آموزش خانواده در سطح کشور، مدت مدیدی نمی‌گذرد. در خصوص اهمیت این دوره‌های آموزشی و فواید ارتباط مستمر با خانواده‌ها در جای دیگر بحث مختصری شده<sup>۱</sup> و در اینجا کوشش می‌شود جایگاه مدرسه اولیاء، به عنوان شکل توسعه یافته و جامع آموزش خانواده، جست‌وجو گردد.

### سابقه تاریخی موضوع

مدار اصلی کلام در این مورد، آموزش غیررسمی بزرگسالان است که حول آن انتقال دانسته‌های تربیتی و بالا بردن سطح این دسته از اطلاعات و رهنمودهای عملی صورت می‌گیرد. اندیشه ایجاد مدرسه اولیاء سابقه‌ای بیش از ۶۰ دارد (اولین "مدرسه اولیاء" در سال ۱۹۲۹ در پاریس تأسیس شد)، اما ویژگیها و امکانات جامعه ما برای به وجود آمدن چنین نهاد تربیتی چیست؟

در شرایط امروزی، آموزش خانواده، با توجه به گره‌گشاییهای تربیتی آن از اهمیت زیادی برخوردار شده است. یک دلیل فرعی این امر رونق پیامهای آموزشی در رسانه‌ها و

نوجوانان و جوانان این است که در صدد دستیابی به ارزشهای جدید هستند، به استقلال خود اهمیت می دهند و در این راه از انرژی فراوان خود برای رسیدن به نگرش های تازه و تعلق های جدید استفاده می کنند. « دوره تحصیل برای آنان بره ای از زندگی است که از تعداد زیادی تجربه های کم و بیش به یادماندنی تشکیل شده است: تجربیاتی از همبستگی تا تعارض، از فرمانبرداری تا اقتدار و اعتراض، از احترام گزاردن به مقررات و اصول مدرسه تا زیر پا گذاشتن آنها. خلاصه در این نگرش، جوان به عنوان آزمودنی منفصل دستگاه تربیتی که بزرگسالان آن را ساخته و پرداخته و مهارش را کاملاً در اختیار داشته باشند، دیده نمی شود. او بیش از پیش به عنوان یک عامل فعال (که "کنشگر اجتماعی" نامیده می شود) ابراز وجود کرده، نماینده نسلی است که نظام ارزشهای مخصوص به خودش را دارد و می تواند انتخابهای متفاوت از اولیاء خویش داشته باشد و گاهی حتی با انتخاب آنان مخالفت کند. آنچه برای یک بزرگسال شکست است، برای جوانان گاهی تنها یک تجربه جالب است.<sup>۴</sup>

چنین استنباط می شود که شکاف بین روحيات فرزندان و والدین رو به ازدیاد است. آیا باید در انتظار باشیم که به طرز خود به خود و معجزه آسا این شکاف از بین برود و با اینکه آن را به دنیای مبهم و طولانی تجربه بسپاریم و در این راه زیان و ضررهای جبران ناشدنی را متحمل شویم؟ برای پر کردن این خلاء باید گام پیش نهاد و اولیاء را به شکل علمی و حساب شده به راهها و شیوه های مطلوب رفتار با فرزندان آشنا کرد. در قسمتی از گزارش نهایی کنفرانس آموزش بزرگسالان، با عنوان آموزش

نهایی آنها ردیابی کنیم. به عنوان نقطه آغاز می توان آن گرایشهای اشتقاقی و اکتسابی را که به "علاق" و "ذوقها" معروفند برگزید.<sup>۳</sup> بر این اساس و با در نظر گرفتن شرایط سنی و روحی اولیاء، در نظر داشتن یک نظام آموزشی غیرمتمرکز باید پایه اصلی کار قرار گیرد. بنابراین خدماتی که در مدرسه ارائه می شود باید مبتنی بر علائق و انگیزه های اولیاء باشد، تا این امر ادامه آموزش را میسر سازد. وجود کتابخانه با قفسه های طبقه بندی شده اطلاعات از یک سو و به کارگیری مشاورین علاقه مند برای جهت دهی فعالیت تربیتی اولیاء از سوی دیگر، دو رکن اصلی برای تحقق چنین فکری است. به تجربه ثابت شده است که اولیاء با انجام حدس ها و داشتن پیش فرضهایی در مورد کلاسهای آموزشی، محتوای آن را بسیار دور از نگرش ها و علائق خود دیده اند و این امر باعث طرد آنها از کلاس شده است. این امر، یعنی بهره گیری از نیروهای اندوخته ذهنی و روانی اولیاء در امر آموزش، بسیار سرنوشت ساز است و بی تردید در نظر نگرفتن این نکته در حکم نادیده گرفتن نقش "فتراصلی" در حرکت یک ماشین می باشد.

### تغییر ارزشها

یکی از پایه های نظری مهم در خصوص ضرورت تأسیس مدرسه اولیاء، تغییر ارزشهاست. مسائل خانواده و اولیاء طیف وسیع و متنوعی از روابط زناشویی و والدین را در بر می گیرد، و هر کدام از این موارد نیز در دل خود روابط فرعی و جزئی تری از تحصیلات گرفته تا روابط دوستی و دوستیابی فرزندان را به وجود می آورد. یکی از مسائل اساسی دنیای



کرد.<sup>۶</sup> بدین ترتیب چنین می‌نماید که در کشورهای توسعه یافته برداشت متفاوتی از اهمیت ساختاری آموزش بزرگسالان پا گرفته و این امر تا آنجا پرثمر جلوه می‌کند که به‌عنوان یک خدمت اصیل اجتماعی دنبال می‌شود.

واضح است که هدف از آوردن شواهد و مثالهای فوق استفاده و بهره‌گیری از یک الگوی عاریتی نیست و باز اینکه اندیشه آموزش غیررسمی و تأسیس مدرسه اولیاء نیز یک فکر و نگرش تازه نمی‌باشد. تنها بر این نکته تأکید می‌شود که باید فکر و ابداع تازه و بدیعی ارائه کرد تا از این رهگذر نهادی به بوجود آید که برآمده از دل نیازها باشد و بطور خودجوش با اجزا و عناصر اجتماعی جامعه پیوند ناگسستنی برقرار کند.

حال اگر فرض کنیم که اهمیت و ضرورت مدرسه اولیاء با توضیحات مختصر بالا روشن شده باشد، باید این سؤال را پاسخگو باشیم که مدرسه اولیاء چه وظایفی را می‌تواند انجام دهد و کارکرد آن در جامعه و نظام تربیتی ما چه

بزرگسالان در جهان در حال تحول چنین می‌خوانیم:

"مردم تمام نقاط جهان لازم است که آموزش بزرگسالان را به‌عنوان امری عادی بپذیرند و دولت‌ها باید آن را جزء لازمی از برنامه‌های آموزشی خود در هر کشور به شمار آورند."<sup>۵</sup>

نکته قابل توجهی که در ضمن تأمل در این زمینه حاصل شد، استقبال کشورهای توسعه یافته از آموزش غیررسمی بزرگسالان می‌باشد، به‌طوری که "در سال ۱۹۷۱ در کانادا... قریب به ۷۵۰ هزار نفر در دوره‌های آموزش بزرگسالان که از طرف معلمان مدارس متوسطه تأسیس شده بود شرکت کردند. موضوعهای درسی ارائه شده از چنان تنوعی برخوردار بود که کتابخانه شهر تورنتو ناچار شد دستگاه اطلاع دهنده خودکاری برای مراجعه کنندگان ابداع کند. طی همان سال سوندد برای بیش از ۲ میلیون نفر، یعنی تقریباً نیمی از جمعیت خود دوره‌های آموزش برای بزرگسالان را برقرار



خواهد بود؟ برای جوابگویی به این سؤال به موارد زیر اشاره می‌شود.

#### سامان‌دهی تربیتی جامعه

آموزش خانواده فرایندی است که ضمن آن امکانات تربیتی عام که بطور خودجوش در جامعه وجود دارد سازمان و تمرکز پیدا می‌کند. آنچه مسلم است جامعه و خانواده‌ها از نوعی امکانات تربیتی که حاصل مرور زمان و کسب تجربه‌های مختلف در فراز و نشیب زندگی است برخوردارند و در واقع آموزش خانواده نقطه شروع آموزش تربیتی نیست، بلکه نوعی تمرکز است که در قالب آن تجربیات علمی اولیاء در خصوص برخورد با فرزندان و با توجه به نیازهای جدید جامعه سامان‌دهی می‌شود. سامان‌دهی در این معنی متبلور است که دیدگاه‌های جزمی و فضا‌های فکری بسته و منجمد و همچنین تجربه‌های تکراری در

خصوص مسائل تربیتی دچار تحول و دگرگونی شود و توان‌های بالقوه و موجود از غنچه بستگی به شکفتگی و ثمردهی برسند. در حقیقت یک مدرس آموزش خانواده قوی باید این امکان را بیابد که توانایی‌های تربیتی مخاطبان خود را بشناسد و از بارزترین و موفق‌ترین آنها به‌عنوان الگوهای عملی و عینی درکار بهره‌گیرد. ملاحظه می‌شود که جوهره آموزش خانواده گرد محور فعالیتهای خودجوشانه تربیتی می‌چرخد، که به‌خاطر نتیجه‌گیری‌های مفید از آن در قالب اصول روان‌شناسی و تربیتی جدید براحتی جایگزین می‌گردد و از آن به‌عنوان یافته‌های کلاسیک می‌توان نام برد. هیچ چیز مانند تجربه‌های علمی موفق در آموزش خانواده بازخورد ندارد، و بسط و گسترش این تجربه‌ها که در موارد فراوان به نتیجه مطلوب رسیده، از وظایف اصلی و اهداف اساسی است که در قالب

والدین در ارتباط با مسائل خانواده کمک نموده، آنها را از هشیارهای فرهنگی و تربیتی برخوردار نمایند.

### مدرسه اولیاء مکانی برای مراجعه خانواده‌ها

اولیاء وقتی که در ارتباط با جایگاه و شخصیت فرزندان در خانواده و نقش و وظیفه خویش دچار مشکل می‌شوند، به چه کسی مراجعه می‌کنند؟ آیا حل تمام مشکلات تربیتی فرزندان تنها باید به مدرسه واگذار شود؟ کودکان در گردونه خانه و مدرسه، جامعه و گروه دوستان در حال حرکت‌اند و از سویی واقفیم که با یک برخورد به موقع و ارائه یک راه‌حل مناسب می‌توان بسیاری از مشکلات بعدی را پیشگیری کرد. تنوع مسائل مربوط به محیط خانواده آنچنان است که ما را از ذکر موارد و نمونه‌ها بی‌نیاز می‌سازد، ولی ما را نیازمند به مکان و فضایی مطمئن می‌کند که اولیاء برای حل مشکلات خود به آن مراجعه کنند. در واقع مدرسه اولیاء شکل جامعی از ارائه خدمات و فعالیت‌های تربیتی خواهد بود که یکی از آنها مشاوره و راهنمایی در زمینه مسائل خانواده است.

### نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی مطالبی که بطور اختصار بیان گردید باید اذعان داشت که هدف از تأسیس مدرسه اولیاء سازمان‌دهی و انسجام فعالیت‌های آموزش خانواده است که از این طریق با مهارت‌های اجتماعی چون: شیوه‌های همسراری، حل مشکلات رفتاری فرزندان و

لطفاً ورق بزنید

مدرسه اولیاء دنبال می‌شود، به طوری که تمام موارد فوق برای خود مکان مناسبی پیدا می‌کنند و خانواده‌ها در ارتباط با آنها قرار می‌گیرند.

### مدرسه اولیاء پایگاهی برای ارتباط صاحب‌نظران تعلیم و تربیت با پدران و مادران

طرح مسائل اساسی و ضروری از طریق یک تربیون عمومی، با توجه به ظرفیتهای متفاوت افراد یک جامعه، همواره مخاطره‌انگیز بوده است. از سویی مسؤولین ناگزیر از دادن هشدارهای تربیتی و فرهنگی در سطح جامعه می‌باشند. برای اجتناب از آثار منفی این‌گونه مباحث، کلاسهای مدرسه اولیاء مکان مناسبی برای ارتباط مسؤولان و خبرگان فرهنگی و تربیتی جامعه با پدران و مادران است. این ارتباط مستمر می‌تواند اولیا را در اجرای نقش‌های اجتماعی، خانوادگی و فرهنگی آنها یاری رساند. باز باید خاطر نشان ساخت که رشد فرهنگ عمومی با رشد فرهنگی بزرگسالان رابطه مستقیم دارد.

عنوان کردن این مسأله به خاطر این است که دست‌اندرکاران مسائل فرهنگی و اجتماعی بارها از نبودن چنین فضاهای صمیمی یاد نموده و ضرورت آن را تذکر داده‌اند. چنانچه این مسأله در یک فضای طبیعی و صمیمی عملی شود، راه را به سوی "تغییر رفتار" باز خواهد کرد و هر کدام از مسؤولان می‌توانند در خصوص یکی از وجوه آموزشی برای والدین، یا توجه به تجربیات زنده و عملی خود به عنوان مدرس در مدرسه اولیاء انجام وظیفه کنند و از این طریق به انباشت اطلاعات و تجربیات

صاحب‌نظران ، اندیشمندان ، اولیاء ، مریبان و علاقه‌مندان تعلیم و تربیت خانوادگی نظریات کارساز و پیشنهادهای مفید وسازنده خود را به برنامه‌ریزان آموزشی اعلام نمایند.

### منابع

- ۱- تیموری ، کاوه ، «اهمیت آموزش خانواده و آثار مثبت آن» ، روزنامه اطلاعات ، ۲۲/۱۰/۷۳
- ۲- میس . سی . ای ، «روانشناسی مطالعه» ، ترجمه امیر فرهمند ، چاپ دوم ، نشر دانشگاهی ، صفحات ۲۲ و ۲۳
- ۳- کیوی ، ریمون و کامبهنود ، لـوکوان ، «روشهای تحقیق در علوم اجتماعی» ، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر ، چاپ اول ، انتشارات فرهنگ معاصر ، ۱۳۷۰ ، صفحه ۷۸
- ۴- توما ، ژن ، «مسائل جهانی آموزش و پرورش ، ترجمه دکتر احمد آقازاده ، نشر دانشگاهی ، ۱۳۶۳ ، صفحه ۷۲
- ۵- منبع بالا

نحوه برخورد با آنان و مواردی از این دست آشنا شوند. به‌طور مسلم این‌گونه فعالیتها برای غنا بخشیدن به زندگی معنوی خانواده‌ها یک ضرورت است . خلاصه اینکه فکر و اندیشه مدرسه اولیاء به‌طور خاص و آموزش بزرگسالان به طور عام در کشورهای پیشرفته دارای سابقه‌ای طولانی می‌باشد.

بی‌آنکه بخواهیم از مدرسه اولیا به‌عنوان مرکزی یاد کنیم که تمام مشکلات تربیتی والدین را حل خواهد کرد، تنها آن را به‌عنوان یک گام مؤثر و مفید پیشنهاد می‌کنیم که صد البته پایه‌ریزی بنیانی آن، مستلزم مشارکت فعال و تأمین ارکان اساسی برای تشکیل مدرسه می‌باشد.

به‌وجود آمدن این مدرسه فرصتی است برای انعطاف‌پذیری و بروز نیازهای محلی ، به‌طوری که اصول کلی با رهنمودهای سازمان مرکزی تعیین شود و با مقتضیات منطقه‌ای رنگ و بوی محیط را داشته باشد. شایسته است که

حضرت (سول اکرم صلی‌الله علیه و آله ، من وطلعات فرهنگی

رمضان ماهی است که شما را به‌سوی ضیافت خدا خوانده‌اند و اهل کرامت گردیده‌اید. نفسهای شما در آن ماه ثواب تسبیح و ثواب شما ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبول و دعاهای شما در آن مستجاب است . پس با نیت درست و دل‌های پاکیزه از خدا بخواهید که شما را بر روزه داشتن و تلاوت قرآن در آن ماه توفیق دهد.

وسایل الشیخه ، جلد ۴ ، صفحه ۲۲۷